

The Spread of Excommunicationist Terrorism as a Malign Problem, and the Security of the Islamic Republic of Iran

Received: 2022-09-03

Accepted: 2022-11-13

Seyyed Mostafa Mousavi Asl *

Mohammad Taghi Ghezelsolfa **

The present research concerns the spread of excommunicationist terrorism to Iran and its impact on the national security as a malign problem. The method of the research is descriptive and analytic. The findings show that since the spread of excommunicationist terrorism is a malign problem, the solutions to it should be adopted in terms of malign problems. For this reason, the central government must view the spread of excommunicationist terrorism to the Iranian boundaries as a malign problem and adopt policies and solutions with a cooperative approach so that it can manage the problem with the collaboration of all the interested groups. Otherwise, the problem has the potential to become a super-malign problem.

Keywords: National security of Iran; excommunicationist terrorism; foreign threats; security policy.



Vol 25, No. 99, Autumn 2022

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* PhD student, Iran Issues, College of Law and Political Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran (corresponding author). Email: mostafa.mousavi84@gmail.com.

** Associate professor, College of Law and Political Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. Email: m.ghezel@umz.ac.ir.

سرایت تروریسم تکفیری به‌مثابه‌ی مسأله‌ی بدخیم، و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۱۲

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۸/۲۲

سید مصطفی موسوی اصل^۱

محمدتقی قزلسفلی^۲

سرایت تروریسم تکفیری به‌مثابه‌ی مسأله‌ی بدخیم...

هدف پژوهش حاضر واکاوی سرایت تروریسم تکفیری به ایران و تأثیر آن بر روی امنیت ملی به‌عنوان یک مسأله‌ی بدخیم است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج، حاکی از آن است که چون تروریسم تکفیری در قامت یک مسأله‌ی بدخیم ظاهر شده است، راه‌حل‌های اتخاذشده در خصوص رویارویی با آن نیز می‌بایست در چارچوب همین سنخ مسائل ارائه شود. لذا لازم است حکومت مرکزی، سرایت تروریسم تکفیری به درون مرزهای ایران را به‌مثابه‌ی یک مسأله‌ی بدخیم نگرسته و سیاست‌ها و تدابیری را با رویکرد همکارانه در این خصوص اتخاذ نماید تا بتواند مسأله‌ی موجود را با همکاری تمامی ذی‌نفع‌های موجود مدیریت کند که در غیر این صورت، مسأله‌ی حاضر ظرفیت تبدیل شدن به یک مسأله‌ی فوق بدخیم را دارد.

کلیدواژه‌ها: امنیت ملی ایران، تروریسم تکفیری، تهدیدهای خارجی، سیاست امنیتی.

۱. دانشجوی دکتری، گرایش مسائل ایران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول). (Mostafa.mousavi84@gmail.com).

۲. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (m.ghezel@umz.ac.ir).

امروزه پدیده‌ی تروریسم به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های امنیت ملت‌ها و دولت‌ها در جهان تبدیل شده است. تروریسم، اعم از داخلی یا بین‌المللی، سراسر جهان را فراگرفته و این مسئله در آغاز قرن ۲۱ از دشوارترین مسائل و چالش‌هایی است که دولت‌ها با آن مواجه شده‌اند. پس از جنگ سرد و ظهور نظریه‌های جدید در باب امنیت، شاهد پدیداری بازیگران جدید به عنوان تهدیدهای امنیتی نوین بودیم که دارای تفاوت ماهوی با تهدیدهای سنتی هستند. این تهدیدهای فراملی، دامنه‌ی نفوذ دولت‌ها را به چالش می‌کشد به نوعی که دیگر مرزها و حاکمیت ملی در برابر آن‌ها یک مانع به حساب نمی‌آید و تهدیدهای خارجی و آسیب‌پذیری‌های داخلی را توأمان متوجه امنیت ملی کشورها می‌نماید.



در این راستا، تروریسم و به تبع آن پدیده‌ی نوظهور تروریسم تکفیری، همچون یکی از بازیگران نوپدید ناامنی، امنیت کشورها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. از این رو باید گفت محیط پیرامونی ایران به سبب وجود خیل عظیمی از گروه‌های تروریستی با سبقه‌ی سلفی و همچنین به علت پیچیدگی و چندبعدی بودن این پدیده‌ی نوظهور، درگیر تنش‌های فزاینده است؛ از همین رو افق روشنی از رفع مسأله‌ی تروریسم و اندیشه‌های تکفیری در منطقه وجود ندارد؛ به همین دلیل می‌توانیم به سرایت تروریسم تکفیری به داخل کشور و تأثیر آن بر روی مناطق اقلیت‌نشین ایران به عنوان یک تهدید امنیتی ناگزیر و در قامت مسأله‌ای بدخیم^۱ بنگریم. مشکله‌ای از جنس مسائل بدخیم که نامشخص، مبهم، مناقشه‌برانگیز و دارای ویژگی‌های چندلایه بوده و راه‌حل آسانی در برابرش نیست. حال به دنبال پاسخی برای این پرسش اساسی هستیم که سرایت تروریسم تکفیری به مثابه‌ی مسأله‌ای بدخیم، چه تأثیری بر امنیت ملی ایران برجای نهاده است؟ نوشتار حاضر درصدد آزمون این فرضیه است که سرایت اندیشه‌ی تروریسم تکفیری و پدیداری گروه‌های تکفیری در داخل مرزهای ایران، یک مسأله‌ی بدخیم بوده و از منظر تهدیدهای خارجی و آسیب‌پذیری‌های داخلی، پیامدهای منفی برای امنیت ملی ایران دارد.

۱. مبانی نظری پژوهش

سیالیت و گستردگی تهدیدهای ناشی از گروه‌های تروریستی با سلفی بر امنیت ملی و محیط پیرامونی ج.ا.ایران، سرایت این نوع از تروریسم را به یک چالش چندبعدی، پیچیده و مناقشه‌برانگیز تبدیل نموده است. از این‌رو به نظر می‌رسد بهره‌مندی از مباحث نظری مسأله‌ی بدخیم و مطالب مطرح شده در مکتب امنیتی کپنهاگ به‌صورت توأمان، می‌تواند چارچوب تحلیلی مناسبی جهت واکاوی و شناخت هرچه بهتر موضوع نوشتار باشد.

مفهوم مسائل بدخیم، از دهه‌ی ۱۹۷۰ م در ادبیات علوم اجتماعی ظهور کرد. این واژه برای اولین بار توسط ریتل و وبر در سال ۱۹۷۳ م مطرح شد. آن‌ها در پژوهش‌های خود خاطرنشان کردند حوزه‌ی مسائل برنامه‌ریزی اجتماعی را نمی‌توان با روش‌های سنتی خطی و تحلیلی به‌طور موفقیت‌آمیز حل و فصل کرد؛ از این‌رو این سنخ از مسائل را بدخیم نامیدند و آن‌ها را در برابر مسائل خوش‌خیم^۱ قرار دادند. مسائل خوش‌خیم لزوماً ساده نیستند لکن به‌راحتی می‌توان آن‌ها را تعریف و برایشان راه‌حل شناسایی کرد. لیکن «مسائل بدخیم در برابر راه‌حل‌ها، مقاوم و پایدار هستند. چنان‌که از دید پژوهشگران به‌عنوان نتیجه‌ی تلاش برای درک و حل مسائل دیروز ظاهر می‌شوند.» (Termeer & et al, ۲۰۱۵، ص. ۶۸۰)

تمرکز اصلی ادبیات مسائل بدخیم، در طراحی سیستم‌ها بود اما مفهوم حاضر به‌صورت تدریجی درخصوص مسائل اجتماعی و اقتصادی به‌کار گرفته شد (Australian Public Service, ۲۰۰۷). ریتل و وبر معتقدند انواع مسائلی که برنامه‌ریزان با آن مواجه‌اند، به‌طور ماهوی متفاوت از مسائلی است که دانشمندان تجربی با آن روبرو هستند. مسائل علوم طبیعی عموماً تعریف‌پذیر و تفکیک‌پذیر هستند و امکان یافتن راه‌حل‌های قابل فهم برایشان وجود دارد. از این‌رو مسائلی که توسط روش‌های علمی و مهندسی مطرح شده است، غالباً خوش‌خیم هستند. در مقابل، مسائل اجتماعی مدرن به‌صورت به‌هم‌پیوسته و متکی به قضاوت‌های سیاسی به جای اصول علمی است. بر این اساس، اکثر مسائل سیاست‌گذاری عمومی، از نوع مسائل بدخیم می‌باشند. (Head, ۲۰۰۸، ص. ۱۰۲). این پنداره بر طیفی از مباحث تأکید می‌کند که ده ویژگی اساسی برایشان شناسایی شده است:

هیچ صورت‌بندی مشخصی از این مسائل وجود ندارد؛





این مسائل، قاعده‌ی توقف ندارند و راه‌حل، به‌دلیل زمان و هزینه متوقف می‌شود؛
راه‌حل مسائل بدخیم، درست و غلط نیست، بلکه خوب یا بد است؛
آزمون صریح و نهائی برای ارزیابی راه‌حل وجود ندارد؛
راه‌حل مسائل بدخیم، یک مرحله‌ای است و فرصتی برای آزمون و خطا وجود ندارد؛
مسائل بدخیم مجموعه‌ای از راه‌کارهای مشخص و قابل شمارش ندارد؛
هر مسأله‌ی بدخیم، اساساً منحصر به فرد است و انتقال راه‌حل، الزاماً درست نیست؛
هر مسأله می‌تواند نشانه‌ای از مسائل دیگر باشد؛
از راه‌های متعددی می‌توان وجود تفاوت را توضیح داد؛
سیاست‌گذاران حق اشتباه ندارند (Rittel & Webeber, ۱۹۷۳، صص. ۱۶۰-۱۶۹).

این گزاره‌ها در درجه‌ی اول بر دو جنبه‌ی مسأله تمرکز دارند: تعریف آن و ماهیت راه‌حل آن. همان‌طور که گزاره‌های ۱ و ۷ نشان می‌دهد، تلاش برای تدوین این مسائل، مشکل‌ساز است. ماهیت مسأله‌ی بدخیم، واحد نیست، بلکه ترکیبی از چالش‌های متعدد قابل‌حل است که در طول فرایند تعریف مسأله، کشف شده است. اگر به مسأله به‌عنوان اختلاف بین وضعیت فعلی امور و وضعیت مطلوب (گزاره‌ی ۹) نگریسته شود، پس راه‌حل باید این اختلاف را از بین ببرد. با این حال، زمانی که راه‌حل یافت می‌شود، هیچ معیاری برای بیان آن وجود ندارد؛ زیرا روند حل مسأله با فرایند فهم و درک طبیعت آن یکسان است؛ (گزاره‌ی ۹)؛ معیاری برای تعیین آن چه فهم و درک کافی از موضوع اساسی است، وجود ندارد (گزاره‌ی ۴ و ۶) و هیچ دلیلی برای زنجیره‌های علی که با سیستم باز تعاملی ارتباط داشته باشد، وجود ندارد. (گزاره‌ی ۲). ریتل و وبر باور دارند که راه‌حل‌های کوتاه‌مدت، مسائل بدخیم را برطرف نمی‌کنند (گزاره‌ی ۴)، زیرا این مسائل پویا بوده و مؤلفه‌های اجتماعی در طول زمان تغییر می‌کنند. در نتیجه هر راه‌حلی که اجرایی شود، موجی از عواقب را در طولانی‌مدت به‌وجود می‌آورد. داوری در مورد این که یک راه‌حل، درست یا غلط است، بسته به جامعه‌ی ذی‌نفعان و یا منافع و ارزش‌های شخصی، به شدت متفاوت خواهد بود (گزاره‌ی ۳) (Balint & et al, ۲۰۱۱، صص. ۱۲-۱۳).

با این تفاسیر باید اذعان داشت حل موفق و یا حداقل مدیریت سیاسی مسائل بدخیم، نیازمند ارزیابی مجدد روش‌های سنتی و حل مسأله است. بخشی از راه‌حل مسائل بدخیم حاوی تغییر رفتار تمام یا گروهی از شهروندان می‌شود. بخشی دیگر شامل درگیر نمودن ذی‌نفعان در سیاست‌گذاری عمومی و اجرایی است. در واقع مواجهه با مسائل بدخیم نیازمند راه‌حل نوآورانه و جامع است (Australian Public Service, ۲۰۰۷). در نهایت باید گفت مسائل

بدخیم همچون تخریب محیط زیست، فقر و تروریسم که به عنوان نمونه‌های کلاسیک این عرصه شناخته می‌شوند (Camillus, ۲۰۰۸)، به علت پیچیدگی، اثرگذاری بر روی شهروندان، به چالش کشیدن ساختارهای حکومتی و عدم ارائه‌ی راه‌حل‌های جامع، ظرفیت لازم برای تبدیل شدن به مسائل فوق‌بدخیم^۱ را دارند.

حال پس از واکاوی مبانی نظری مسائل بدخیم، می‌بایست از نظریه‌های امنیتی مطرح حول موضوع پژوهش بهره جست. یکی از مکاتبی که مرکز ثقل توجهات خود را بر روی مطالعات امنیتی بنا نمود و عزم خود را جزم کرد تا جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی پی‌ریزی نماید، «مکتب کپنهاگ» است. مکتب یادشده و در رأس آن «باری بوزان»، سهم عمده‌ای در تحول مفهوم امنیت داشته‌اند. این مکتب به مثابه‌ی رهیافتی نوین در مطالعات امنیتی، تلاش نمود تا تصویر سنتی از امنیت را که تنها با وجوه نظامی فهم می‌شد، دگرگون نماید و متناسب با پدیداری تهدیدات نوظهور در این عرصه، طرح فراگیر از امنیت ارائه دهد. از چشم‌انداز مکتب کپنهاگ، پنداره‌ی امنیت پس از دوران جنگ سرد دچار دگرپرسی شده و دیگر در چارچوب سنتی خود یعنی در ذیل مدل وستفالیایی و تأکید بر ابعاد نظامی، تعریف نمی‌شود. در دوره‌ی نوین، دامنه‌ی امنیت از بُعد نظامی به ابعاد پنج‌گانه‌ی نظامی، سیاسی، اقتصادی، جامعه‌ای و زیست‌محیطی گسترش یافته است (Buzan & et al, ۱۹۹۸).

شایان ذکر است سطح تحلیلی امنیت در مکتب کپنهاگ، بیش‌تر سطح تحلیل منطقه‌ای است. بوزان معتقد است، کشورها باید در سیاست خارجی خود جایگاه ویژه‌ای به «ابعاد منطقه‌ای امنیت» اختصاص داده و امنیت را در ابعاد چندبعدی آن پیگیری نمایند؛ به عبارت دیگر، وجه تمایز اصلی، مطالعات امنیتی دوران پساجنگ سرد از دوران جنگ سرد، وسعت دامنه‌ی امنیت و شمولیت موضوعاتی مانند مهاجرت، سازمان‌های جنایی (تروریستی) فراملی و فروملی است که قبلاً در تعاریف امنیتی لحاظ نمی‌شدند (اسماعیل‌زاده امامقلی، احمدی فشارکی، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۹). می‌توان گفت که دگرپرسی امنیت‌پژوهی، از مطالعات سنتی به عرصه‌ی مطالعات امنیتی نوین، به میزان زیادی برآیند نگاه‌های نوآورانه‌ی صاحب‌نظران این مکتب می‌باشد که امنیت فراگیر، ابعاد پنج‌گانه‌ی امنیت، امنیت‌سازی و سطح تحلیل منطقه‌ای امنیت، از جمله آن‌ها است.





با عنایت به مسأله‌ی نوشتار حاضر، ۱- به نظر می‌رسد رویکرد تخصصی این مکتب در تجزیه و تحلیل پنداره‌ی امنیت، و نگاه ویژه‌ی آن به مفهوم و ابعاد امنیت ملی از یک- سو و ارائه‌ی مدل تحلیلی برای امنیت منطقه‌ای از سوی دیگر، این رهیافت را به گزینه- ای مناسب، برای واکاوی موضوع پژوهش حاضر تبدیل نموده است. ۲- با بررسی ادبیات پژوهش، این مسأله به ذهن متبادر می‌شود که تهدیدهای احتمالی که از سوی تروریسم تکفیری متوجه امنیت ملی ایران است، با ابعاد نظامی، سیاسی و اجتماعی مطرح شده در ابعاد پنج‌گانه‌ی امنیت در مکتب کپنهاگ، تا حدود زیادی سازگار و هم‌سو است.

در خصوص ادبیات پژوهش می‌توان پژوهش‌های انجام شده در مورد موضوع حاضر را در دسته‌بندی‌های ذیل جای داد: برخی از منابع به بررسی مسأله‌ی بدخیم در زمینه‌ی تروریسم پرداخته‌اند که از جمله می‌توان به نوشتار «دنيس اسمیت» (۲۰۱۶) تحت عنوان «مقابله با انطباق تهدید: تروریسم به‌عنوان یک مسأله‌ی سیاسی بدخیم»، اثر مشترک «نیلسن و هاگستودت» (۲۰۲۰) با نام «پل زدن میان مسأله‌ی بدخیم و تحقیقات افراط‌گرایی خشونت‌آمیز» و همچنین پژوهش «باربر» (۲۰۲۱) با عنوان «جنگ ابدی: مسأله‌ی بدخیم خاتمه‌ی درگیری در افغانستان» اشاره کرد. دسته‌ی دیگر از پژوهش‌ها به گروه‌های سلفی-تکفیری و تهدیدهای امنیتی منبعت از آن، توجه می‌کنند که از آن جمله می‌بایست به نوشتارهای «تهدید بلندمدت دولت اسلامی در خاورمیانه»، نوشته‌ی «بایمن» (۲۰۱۷)، «دشمنان دور و نزدیک: گروه‌های جهادی چگونه استراتژی می‌کنند، نقشه می‌کشند و می‌آموزند»، به قلم مشترک «گارتنشستاین و جوسلین» (۲۰۲۲) و پژوهش «چه کسی یک جنگنده‌ی خارجی می‌شود؟ ویژگی‌های سربازان دولت اسلامی» اثر «موریس» (۲۰۲۳)، اشاره نمود. همچنین می‌توان از کتاب «امنیت عمومی و تهدیدهای تروریستی»، نوشته‌ی «قنبری» (۱۳۹۸) نام برد.^۱ در آخر باید به برخی از پژوهش‌ها که تروریسم تکفیری و

۱. همچنین نگاه کنید به:

- Nassau, Casper S. and Poot, Christianne. J. 2023, The Relational Dimension of Radicalization: Context and Tie Formation in Dutch Salafi-Jihadi Networks.

-Estelle. E, 2022, The Underestimated Insurgency: African States at Risk for Salafi-Jihadi Insurgencies.

امنیت ملی ایران را به عنوان مسأله‌ی پژوهش خود قرار داده‌اند، اشاره کرد که در این میان می‌توان از «محیط‌شناسی تهدیدهای تروریستی در سطح جمهوری اسلامی»، اثر مشترک «قنبری و بیات» (۱۳۹۸)، «جریان تکفیری-سلفی در خاورمیانه و تأثیرات آن بر امنیت محیطی جمهوری اسلامی ایران»، نوشته‌ی «قاسمیان» (۱۴۰۰)، و همچنین «سنجش تهدیدهای آینده‌ی احتمالی علیه جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: گروه تروریستی-تکفیری داعش)» که با هم‌کاری «نوروزانی و شاملو» (۱۴۰۱) به نگارش درآمده، نام برد.

با وجود ارزنده بودن مطالب پرداخته شده، ارزیابی ادبیات موضوع نشان می‌دهد که پژوهش‌های موجود، به مسأله‌ی سرایت تروریسم تکفیری به درون مرزهای کشور و تأثیرات و پیامدهای آن بر روی امنیت ملی ایران از منظر مسائل بدخیم، توجه نکرده‌اند؛ با توجه به اهمیت و تازگی موضوع، پژوهش حاضر تلاش دارد تا ابعاد این مسأله را مورد واکاوی قرار دهد.

۲. تروریسم تکفیری؛ اقدام‌های احتمالی و پیامدهای آن در محیط امنیتی ایران

تعریف پنداره‌ی تروریسم، از آن‌جا که خصایص و گونه‌های متعددی دارد، امری دشوار است؛ از این‌رو تاکنون تعریفی جامع و مانع از آن ارائه نشده است. به بیان بهتر، در تعریف تروریسم وحدت نظر وجود ندارد. با این وجود، محورهای اصلی تروریسم عبارت‌اند از: اولاً، تروریسم یک پدیده‌ی کاملاً سیاسی است؛ ثانیاً، تروریسم همراه با خشونت یا تهدید به خشونت است؛ ثالثاً، تروریسم دارای عقلانیت سودمحور است؛ رابعاً، تروریسم یک پدیده‌ی معنادار و حامل پیامی است (فیرحی و ظهیری، ۱۳۸۷، ص. ۱۴۸). بررسی گونه‌های مختلف تروریسم، بحث جداگانه‌ای را می‌طلبد، لیکن هدف پژوهش حاضر، بررسی تروریسم به معنای جدید آن است. تروریسم نوین، از پایان جنگ سرد، به تدریج نشانه‌های بروز خود را عیان نمود تا در رویداد یازدهم سپتامبر به نهایت ظرفیت خود دست یافت. «ایزابیل دایوستین» در بررسی ابعاد نوین تروریسم معتقد است: «تروریسم نوین اولاً به لحاظ مرتکبان و سازمان‌دهی، طبیعتی فراملی دارد؛ ثانیاً مبتنی بر نوعی افراط‌گرایی مذهبی است، ثالثاً به سلاح‌های کشتارجمعی دسترسی دارد و هدف‌اش حمله به بیش‌ترین مردم ممکن است؛ و رابعاً قربانیان خود را به‌دقت انتخاب و دست‌چین نمی‌کند، بلکه آن‌ها را به‌صورت دسته‌جمعی و غیرتبعیض‌آمیز برمی‌گزیند.» (Duyvesteyn, ۲۰۰۴، ص. ۴۴۰) از نگاه «جوزف نای» نیز، تروریسم در قرن بیستم، اهداف سیاسی مشخصی داشت و از ابزار کشتارجمعی بی‌بهره بود و بسیاری از گروه‌های تروریستی توسط حکومت‌ها کنترل و حمایت می‌شدند؛ لکن در سال‌های پایانی قرن بیستم، این گرایش





تغییر کرد و گروه‌های تروریستی با استفاده ابزاری از اعتقادات دینی شکل گرفتند؛ بنابراین، انگیزه‌های تروریست‌ها، از انگیزه‌های محدود سیاسی، به انگیزه‌های نامحدود تغییر ماهیت داد و پاداش آن، بهره‌مندی‌های معنوی معرفی گردید. او معتقد است بر اساس تغییر در گرایش سیاسی، تشکیلات تروریست‌ها نیز تغییر کرد و به سازمان‌های غیرمتمرکز تبدیل شد (Nye، ۲۰۰۴، ص. ۲۰۶).

در خصوص محیط امنیتی منطقه‌ای، باید گفت که این محیط، عرصه‌ی نزدیک و تأثیرگذار هر دولت است و مجموعه‌ای از بازیگران دولتی و غیردولتی را در برمی‌گیرد. مجاورت جغرافیایی، در کنار قابلیت‌های تهاجمی و ایدئولوژیکی، از اصلی‌ترین متغیرهای مؤثر بر درک دولت‌ها از تهدیدهای امنیتی محیطی است (رمضانی و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۱). با این تفاسیر، سال‌ها است که منطقه‌ی خاورمیانه یکی از ملتهب‌ترین مناطق جهان از حیث تنش و درگیری‌های سیاسی و نظامی است که به کانون مخاطره‌های تبدیل شده است (کبنایوز، ۱۴۰۱). در حقیقت، خاورمیانه، عرصه‌ی تعارضات دائمی منطقه‌ای است و برخی صاحب‌نظران همچون «ساموئل کوهن» خاورمیانه را «منطقه‌ی کمر بند شکننده» می‌خوانند. (خراسانی و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۵۷) حضور جمهوری اسلامی ایران در این منطقه، منجر به گره خوردن امنیت آن با ناآرامی‌های متعدد شده است. در خصوص محیط پیرامونی ایران باید گفت جمهوری اسلامی، در مجاورت مناطقی همچون خلیج فارس، آسیای مرکزی و جنوب آسیا قرار گرفته که در طول سالین متممادی، همواره درگیر تنش بوده‌اند و هر یک از آن‌ها تأثیر خود را بر محیط امنیتی کشورمان برجای نهاده است. از این‌رو محیط امنیتی ایران به دلیل وجود پنج منطقه‌ی آناشیک (آسیای مرکزی، قفقاز، جنوب آسیا، خلیج فارس و خاورمیانه)، پانزده همسایه‌ی عینی و یک همسایه‌ی مجازی (آمریکا)، کاملاً تهدیدزا به شمار می‌آید. در مجموع و بر اساس نظریه‌ی مجموعه‌های امنیتی، چهار محیط امنیتی پیرامون ج.ا. ایران را می‌توان مناطق خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز، خلیج فارس و آسیای جنوب‌غربی (محیط امنیتی شرق ایران) در نظر گرفت (غریباق زندی، ۱۳۸۷؛ حسن خانی، ۱۴۰۰).

تداوم آشفتگی در این مناطق به عوامل زیادی از جمله موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خاورمیانه، منابع عظیم انرژی، حضور نیروهای فرامنطقه‌ای، وجود دولت‌های فرومانده، تنش‌های قومی-فرقه‌ای، افراط‌گرایی و تروریسم، مرتبط است. در حال حاضر، تروریسم و افراط‌گرایی، دولت‌های ضعیف و بحران اقتدار، و همچنین دست‌اندازی قدرت‌های فرامنطقه‌ای، سه چالش امنیتی اصلی در محیط پیرامونی ایران محسوب می‌شود



که با یکدیگر ارتباطی چندبعدی و تنگاتنگ دارند (حسن‌خانی، ۱۴۰۰، ص. ۳۹).

بعد از واقعه‌ی یازدهم سپتامبر، مباحث راجع به تروریسم، اهمیت چشم‌گیری یافت که در واکنش به این حادثه و به دنبال تهاجم به افغانستان، غرب آسیا، به مرکز اقدام‌های تروریستی تبدیل شد (Norman، ۲۰۰۴، ص. ۳). در حقیقت، خاورمیانه که ظرفیت بالایی برای شکل‌گیری گروه‌های رادیکال دارد، عملاً به عرصه‌ی خودنمایی گروه‌های رادیکال تبدیل شده است. این گروه‌ها عمدتاً ناراضیان از وضع موجود هستند که سرخورده از سایر ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌های موجود همچون ناسیونالیسم، به خوانش‌های افراطی و سلفی از دین متمایل شده‌اند (خراسانی، ۱۴۰۱، ص. ۱۵۰). از این‌رو یکی از جریان‌هایی که در سال‌های پیشین نقش به‌سزایی در فعالیت‌های تروریستی و سیاست‌های امنیتی داشته و روزه‌روز بر دامنه‌ی نفوذ آن افزوده شد، جریان‌های تکفیری است. پدیداری اندیشه‌های سلفی و تروریسم تکفیری، به تهدید امنیتی قابل‌توجهی تبدیل شد که امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی را تحت‌تأثیر قرار داده است. اکثر قریب به اتفاق حملات تروریستی دنیا، در منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا، جنوب آسیا و مناطق صحرای آفریقا رخ می‌دهد. بیش‌ترین تعداد مرگ و میر بر اثر تروریسم، از سال ۲۰۰۷، در منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا، با بیش از ۵۰۰۰۰ کشته، به ثبت رسیده است. در واقع تلفات در این مناطق، ۳۹ درصد از کل مرگ و میرهای جهانی ناشی از تروریسم، بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۱ را تشکیل می‌دهد (Global Terrorism Index، ۲۰۲۲، ص. ۳۶). افزون بر این، چهار کشور افغانستان، عراق، نیجریه و سوریه، از سال ۲۰۱۳ تاکنون، بیش‌ترین آسیب را از حملات تروریستی دیده‌اند. (Global Terrorism Index، ۲۰۲۰، ص. ۱۸). همچنین، مرگ‌بارترین سازمان‌های تروریستی، با در نظر گرفتن انشعاب‌های مختلف آن‌ها، داعش (۵۲۶۱۹ کشته)، طالبان (۳۹۷۳۳ کشته)، بوکوحرام (۲۲۲۸۷ کشته) و القاعده (۱۴۶۸۰ کشته) بوده‌اند. این چهار گروه، مسئول بیش از سه چهارم (۷۷/۴ درصد) قربانیان حملات تروریستی اسلام‌گرایان تکفیری، بین سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۹ بوده‌اند (Reynie، ۲۰۱۹، ص. ۶۹).

باتوجه به مطالب بیان شده، باید اذعان داشت قرار گرفتن ایران در منطقه‌ی خاورمیانه که بیش‌ترین حملات تروریستی در آن رخ می‌دهد و همسایگی با کشورهایی که بیش‌ترین فعالیت تروریستی در آن‌ها صورت گرفته و در نهایت، مجاورت با سه گروه از بزرگ‌ترین گروه‌های تروریستی که در نزدیکی مرزهای ایران فعالیت می‌کنند، نشان از گسترش تروریسم تکفیری در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران دارد که همچون یک مسأله بدخیم،



امنیت ملی کشورمان را تحت الشعاع خود قرار داده است.

۳. جغرافیای ایران؛ سرایت تروریسم تکفیری به مثابه‌ی مسأله‌ای بدخیم

در مناطق پراشوب پیرامون ایران، تروریسم به سبب ضعف اقتدار دولت‌های همسایه از یک سو، و همچنین فعال و متراکم بودن گسست‌های قومی، مذهبی و ایدئولوژیک تا مداخله‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای و غربی، از عوامل مؤثر بر تحولات امنیتی منطقه به‌شمار می‌آید. از این منظر، محیط راهبردی ایران، در معرض تهدیدهای تروریستی است؛ به طوری که طی سال‌های اخیر، برخی از نقاط کشور به‌ویژه مناطق مرزی، دست‌خوش ناامنی‌های متعددی از سوی گروه‌های تروریستی بوده است (قائد رحمتی و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۵). تروریسم، با بهره‌مندی از روش‌های مبارزاتی نامشروع و غیرقانونی همچون بمب‌گذاری، عملیات انتحاری، گروگان‌گیری، قتل و... باعث شکل‌گیری تهدیدهای و آسیب‌پذیری‌هایی در محیط امنیتی ج.ا.ایران شده است. شاهد مثال در این خصوص، جدیدترین عملیات تروریستی در داخل کشور یعنی سوءقصد عامل تکفیری به سه روحانی در حرم امام هشتم علیه السلام شیعیان (تارنمای دنیای اقتصاد، ۱۴۰۱) و نیز حمله‌ی هولناک به حرم شاه‌چراغ علیه السلام در شیراز بوده است که به کشته شدن ۱۳ تن و مجروحیت ۳۰ نفر از هم‌وطنان مان انجامید. (تارنمای ایرنا، ۱۴۰۱)

علاوه بر وجود جریان‌های سلفی در کشورهای همسایه، سرایت این نوع از اندیشه به مرزهای ایران و شکل‌گیری جریاناتی با اندیشه‌های افراطی در داخل کشور که منبث از گروه‌های تروریستی در ورای مرزها می‌باشند، نشان از پیچیدگی و چندبعدی بودن این مسأله دارد که در قامت یک مسأله‌ی بدخیم ظهور کرده و راه حل روشنی در برابر آن وجود ندارد.

نکات مطرح شده نشان از آن دارد که در تمام چهار محیط امنیتی ایران، اندیشه‌ها و جریاناتی با پیشینه‌ی سلفی نفوذ کرده و اشاعه‌ی گروه‌های تروریستی را در پی داشته است. به عبارت بهتر، علاوه بر محیط شرق و غرب ایران، در شمال کشور، یعنی منطقه‌ی آسیای میانه و قفقاز، و در جنوب، یعنی منطقه‌ی خلیج فارس نیز شاهد ظهور افکار افراطی می‌باشیم که نمود آن را می‌توان در حمله‌ی تروریستی گروه تکفیری الاحوازیه در سال ۱۳۹۷ مشاهده کرد. حمله‌ای که ماحصل آن، از دست دادن ۲۵ تن و مجروح شدن بیش از ۶۰ نفر از هم‌وطنان مان بود. لیکن در محیط امنیتی شرق و غرب ایران، به سبب دلایلی که بیان خواهد شد، سرایت اندیشه‌های سلفی و شکل‌گیری گروه‌های تروریستی ملهم از جریان‌های تکفیری، بیش از سایر مناطق بوده است. از این رو به بررسی پیشینه‌ی ورود و چگونگی شکل‌گیری گروه‌های تروریستی تکفیری در این مناطق می‌پردازیم تا ابعاد مسأله با

ویژگی‌های یک مسأله‌ی بدخیم روشن شود.

۱-۳. محیط امنیتی شرق ایران

منطقه‌ی امنیتی شرق ایران، شامل کشورهای افغانستان و پاکستان می‌شود. با پایان جنگ سرد و از دهه‌ی ۱۹۹۰م، تحت تأثیر تحولات این دو کشور، محیط امنیتی شرق ایران به شکل امروزی درآمد. پاکستان و افغانستان به‌عنوان بحرانی‌ترین کانون‌های منطقه‌ای، پیوسته مرزهای شرقی ایران را تهدید نموده و دامنه‌ی تنش‌های آن‌ها به ایران سرایت کرده است. طی سال‌های گذشته، فعالیت گروه‌های اقلیت‌گرا و افراط‌گرای مذهبی، در ایران و کشورهای همسایه تشدید شده است. از مهم‌ترین نشانه‌های ظهور افراط‌گرایی جدید، پدیداری تروریسم فرقه‌ای در شرق و رشد جریان‌های سلفی بوده است. دارا بودن مرزهای طولانی جمهوری اسلامی با این دو کشور نیز موجب سرایت ناامنی‌های گروهک‌های تروریستی به ایران خصوصاً استان‌های شرقی و جنوب شرقی می‌شود.

خرده‌نظام امنیتی شبه‌قاره، یکی از اساسی‌ترین تهدیدهای سیاسی-امنیتی برای نظام جمهوری اسلامی است؛ زیرا شبه‌قاره به‌ویژه در قرن نوزدهم، محل تلاقی افکار و عقاید دینی، سیاسی و اجتماعی گوناگون جهت برون‌رفت از انسداد و بحران بوده است. در همین دوران، گرایش سنت‌گرایان سلفی در میان مسلمانان شبه‌قاره شکل گرفت (صدر، ۱۴۰۰، ص ۱۲۳). اندیشه‌هایی که بنیان شکل‌گیری جریان‌های ترویستی با سبقه‌ی سلفی و تکفیری را در این منطقه پی‌ریزی نمود. افزون بر این، قدرت‌گیری این خرده‌نظام در نظام امنیتی متصل به شرق ایران، تهدیدها را متوجه تمامیت ارضی ایران می‌کند. ورود افراط‌گرایی و تروریسم شبه‌قاره‌ای از مرزهای شرقی در چند سال گذشته، در میان استان‌های مرزی و سنی‌نشین ایران افزایش یافته است (حجازی و بیدالله‌خانی، ۱۳۹۶، صص ۱۵۵-۱۵۶).

از چشم‌انداز ایدئولوژیکی، گروه‌های رادیکال در شرق و جنوب شرقی ایران از منابع چندگانه‌ای الهام گرفته‌اند ولی همانند بخشی از جناح تندروی طالبان، دیوبندیسم^۱، مهم‌ترین منبع درک آن‌ها از مبانی اعتقاد دینی بوده است. در حال حاضر، افزون‌بر مدارس اهل حدیث، مدارس وابسته به جماعت اسلامی و شبکه‌های صوفی عمده‌تأوابسته به جمعیت علمای پاکستان، ده‌ها هزار مدرسه‌ی دینی دیوبندی در تشکیلاتی به نام «وفاق المدارس

۱. در این خصوص نگاه کنید به: شیرازی، مهران. (۱۳۹۶). ساختار دیوبندیه در شبه‌قاره هند، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۷۲، ۱۴۹-۱۷۶.





العربیه»، در پاکستان فعالیت دارند. همین شبکه از موسس‌های دیوبندی پاکستان، نه تنها در افغانستان، بلکه در شرق و جنوب شرقی ایران و به‌ویژه بلوچستان گسترش یافته است. گروه‌های شبه‌نظامی و رادیکال دیوبندی مانند سپاه صحابه‌ی پاکستان، لشکر جهنگوی، جیش محمد و گروه لشکر طیبه، منبع الهام برای گروه‌های سیاسی ضدشیعه در شرق ایران بوده و هست (حبیبی و قربانی، ۱۳۹۶، صص. ۸۰-۸۲). آشکار است فعالیت گروه‌های افراطی از این دست در ایران، طیفی از تهدیدهای نرم تا سخت را علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی در پی داشته و خواهد داشت.

وضعیت همسایه‌های شرقی ایران به‌عنوان منبع تهدید می‌تواند تأثیر مستقیم بر امنیت و ناامنی داشته باشد. به‌خصوص آن‌که بیشتر مراکز شهری در استان سیستان و بلوچستان فاصله‌ای کمتر از ۶۰ کیلومتر با مرز ایران دارند و بررسی‌ها نشان می‌دهد که این گروه‌ها فعالیت خود را از نقطه‌ی صفر مرزی به مراکز شهری انتقال داده‌اند. طبق آمار، از سال ۸۵ تا ۹۳، شهرهای زاهدان با ۳۴، سراوان ۴۳، پیشین ۸، سرباز ۸ و زابل با ۸ عملیات، حملات تروریستی خونباری را تجربه کرده‌اند (هداوند میرزایی، ۱۳۹۴، ص. ۴). تنها طی هفت عملیات انتحاری صورت گرفته در شهرهای استان سیستان و بلوچستان، ۱۴۲ تن کشته و ۵۹۸ تن مجروح شده‌اند. انفجار اتوبوس حامل نیروهای نظامی، بمب‌گذاری در مسجد امیرالمومنین علیه السلام زاهدان و شهادت ده‌ها تن از جمله سردار شهید شوشتری و ۴۲ تن از هم‌وطنان، تنها بخشی از اقدام‌های گروهک تروریستی جندالله (امینی و اصغری هرندی، ۱۳۹۹، ص. ۲۴۱) به‌عنوان یکی از گروه‌های تروریستی فعال در شرق کشور بوده است. طی سال‌های گذشته، یکی دیگر از گروه‌های تروریستی در این منطقه یعنی گروهک جیش العدل نیز حملات خونباری به جای گذاشته است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌بایست به کشته شدن ۸ مرزبان در سال ۹۴ و ۱۱ تن از آن‌ها در سال ۹۶ اشاره کرد. این گروه تروریستی، حادثه‌ی غم‌انگیز دیگری را نیز در سال ۹۷ رقم زد که نتیجه‌ی آن به شهادت رسیدن ۲۷ تن از نظامیان در محور خاش-زاهدان بوده است (تارنمای جهان‌نیوز، ۱۳۹۷). در آخرین اقدام‌های گروه‌های تروریستی یاد شده می‌بایست به کشته شدن ۴ نیروی نظامی سپاه پاسداران در منطقه‌ی مرزی سراوان در آذرماه ۱۴۰۱ اشاره نمود (تارنمای ایسنا، ۱۴۰۱).

محیط شرق ایران به‌علت حضور دولت‌های شکننده هم‌چون افغانستان و پاکستان، به مأمّن و جولان‌گاهی برای گروه‌های تکفیری تبدیل شده و باتوجه به عقبه‌ی فکری‌شان، ج.ا.ایران پرچمدار جهان فکری و اعتقادی مخالف آن‌ها و در نتیجه دشمن قلمداد می‌شود.

وجود جریان‌های تروریستی فعال همچون القاعده، داعش، جبهه‌النصره، شبکه‌ی حقانی، جیش محمد، لشکر جهنگوی و... در کشورهای افغانستان و پاکستان، زمینه را برای سرایت تروریسم تکفیری، به مناطق شرقی ایران فراهم کرده است. حضور قومیت‌های مختلف در شرق ایران و تجانس مذهبی و زبانی، همواره مستمسک و بهانه‌ای برای حرکت‌های تفرقه‌جویانه و بالتبع نفوذ به مرزهای ایران شده است. برخی از مهم‌ترین گروه‌های تروریستی سلفی-تکفیری در منطقه‌ی شرق و جنوب شرق ایران عبارت‌اند از: گروه المنعم؛ گروه فرقان؛ جندالله؛ سپاه صحابه؛ جیش العدل؛ حرکت انصار و... در حقیقت، پیوند میان این گروه‌ها، در کنار حمایت‌های پیدا و پنهان کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، باعث شده تا چشم‌انداز روشنی از حل این مسأله‌ی بدخیم وجود نداشته باشد که این پدیده، تهدیدی بسیار جدی برای امنیت ملی ایران به حساب می‌آید.

۲-۳. محیط امنیتی غرب ایران

جمهوری اسلامی ایران از سمت غرب با ترکیه و عراق همسایه است و با توجه به محیط پیرامونی ایران، محیط امنیتی غرب کشور را شکل داده است که مسائل موجود در این محیط به‌صورت بالقوه و بالفعل از عوامل تأثیرگذار بر امنیت ملی جمهوری اسلامی به‌شمار می‌آید. شواهد نشان می‌دهد کشور عراق و تداوم ناامنی‌ها و مداخله‌ی قدرت‌های فرامنطقه‌ای در آن، شرایط را برای فعالیت‌های مخرب گروه‌های تروریستی تسهیل کرده است. جریان‌های تروریستی در اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ م، از لحاظ زمانی ابتدا در افغانستان و پاکستان پدیدار شدند و بعد از ۱۱ سپتامبر و اشغال عراق توسط آمریکا در سال ۲۰۰۳ م، به جنوب غرب آسیا و به‌تبع آن محیط غربی ایران راه یافتند. برای نمونه، عراق پس از خلاء قدرت ناشی از سقوط صدام، به جولان‌گاه گروه‌های تروریستی تکفیری متعددی تبدیل شد.

به باور برخی از تحلیل‌گران، تحرک گروه‌های تندرو، ریشه در مبارزه‌های جنبش‌هایی همچون اخوان المسلمین دارد، با این تفاوت که رویکرد کج‌دار و مریز اسلاف خود را نپسندیده‌اند. آن‌ها تحت شرایط اجتماعی و بین‌المللی به این نتیجه رسیدند که رویکرد گذشته، راه به جایی نمی‌برد و نمی‌تواند آلامی بر دردهای نهفته مردمان این منطقه باشد (میری و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۹۴). از نگاه تاریخی، نخستین سازمان‌های سلف‌گرا در عراق، تابعی از گسترش ساختار اخوان المسلمین مصر در دوران معاصر است که تحت‌تأثیر آن، شاخه‌های عراقی اخوان از جمله حزب اسلامی عراق، اتحاد علمای مسلمان کردستان، اتحاد اسلامی کردستان و جمعیت علمای مسلمین پدید آمدند. در این روند، دهه‌ی ۸۰ میلادی،





نقطه‌ی عطفی در شکل‌گیری سازمانی شاخه‌های افراطی سلفی در عراق بود، چراکه مهم‌ترین آن‌ها یعنی «جیش الاسلامی الکردستانی»، در سال ۱۹۸۰ م اعلام موجودیت کرد. سپس جماعت جندالاسلام از آن جدا شد، اما در سال ۲۰۰۱ م، سه گروه متشکل از جندالاسلام، حماس الکردیه و حرکه التوحید، تشکّل واحدی را به نام «انصارالاسلام»، تشکیل دادند که الگوی عقیدتی آن عمدتاً نمونه‌های سلفی سعودی بود. اعلام موجودیت گروه‌های مسلح سلفی مانند منطقه‌الجهاد، جماعه ابناءالاسلام، مجاهدوا حدیثیه، مقاتلوا الجهاد و جیش محمد، الجیش الاسلامی فی العراق، الجبهه الاسلامیه للمقاومه العراقیه، جیش الراشدین، جیش الطائف المنصوره و جیش المجاهدین، تنها بخشی از این فهرست طولانی است (سیدنژاد، ۱۳۸۹، ص ۱۰۳).

در مناطق کردنشین، تا اوایل دهه‌ی هشتاد، تنها گروه دینی مسلح، «حرکت توحیدی اهل سنت» به رهبری ملاعبدالکریم توحیدی بوده است. آشنایی با تفکرات سلفی و تدریجاً ریشه در این منطقه دارد. در سال‌های دهه‌ی شصت شمسی، در جریان نبرد گروه‌های مخالف حزب بعث عراق، این گروه‌ها، از جمله گروه حرکت اسلامی «بزو تنه وهی ئیسلامی»، به ایران پناه آوردند و فعالیت خود را ادامه دادند. پس از حمله‌ی آمریکا به عراق و خودمختاری کردهای عراق، تمامی گروه‌های مخالف به اقلیم کردستان عراق برگشتند. پس از بازگشت و باز شدن فضا برای تبلیغ اندیشه، مردم مناطق کردنشین ایران، با اندیشه‌های سلفی آشنا شدند (اعظم‌زاده و بقالی، ۱۳۹۱، ص ۱۶-۱۷). به‌طور جدی نفوذ سلفیه در مناطق کردنشین ایران به واسطه‌ی تأسیس «امارت اسلامی بیاره» در منطقه‌ی اورامان کردستان عراق توسط جندالاسلام شکل گرفت. در این زمان، مجاهدین انصارالاسلام، در خاک عراق، با آمریکایی‌ها و احزاب سکولار کردی وارد جنگ مسلحانه شدند و برخی نیز به ایران گریختند. ورود این افراد، آغازی برای ورود جریان سلفی‌گری در اوایل دهه‌ی هشتاد شمسی به مناطق غربی ایران شد. به‌طور کلی می‌توان سلفی‌های غرب ایران را به چهار دسته‌ی: ۱- جهادی رادیکال؛ ۲- جهادی میانه‌رو؛ ۳- غیرجهادی سنتی و ۴- غیرجهادی محافظه‌کار، تقسیم‌بندی نمود. این جریان‌ها، عموماً مناطق غربی کشورمان را در معرض خطر قرار می‌دهند. در چند سال گذشته، بنابر شواهد، شهرهای کرمانشاه، سنندج، مهاباد، بوکان، سقز و بانه در معرض تهدیدهای این گروه‌ها بوده است (اعظم‌زاده و بقالی، ۱۳۹۱، صص ۱۷-۱۹).

همان‌طور که بیان شد، یکی از گروه‌های سلفی بسیار تأثیرگذار در ایران، گروه انصارالاسلام است که ملهم از اندیشه‌های سلفی تکفیری، به مناطق غربی ایران سرایت

نموده و فعالیت‌های زیادی در راستای اشاعه‌ی افکار افراطی انجام داده است. انصارالاسلام، در سال‌های اخیر، در تلاش بوده تا از طریق مساجد مناطق کردی، به تبلیغ بپردازد و به هر طریق امامان این مساجد را با خود همراه کند. ایراد خطبه‌های عوام‌فریب با محتوای تأکید افراطی بر ظواهر دینی، ترویج سلفی‌گری، شیعه‌ستیزی و اقدام‌های تفرقه‌افکنانه، محتوای تبلیغات آن را تشکیل می‌دهد. شکل‌گیری گروه «کتاب القاعده فی الايران» از جمله این شواهد است. این گروه که با القاعده در ارتباط بوده است، چند سال بعد دچار انشعاباتی گردید و گروه صلاح‌الدین و جیش صحابه از آن منشعب شد. همچنین گروه تروریستی «توحید و جهاد» نیز از جمله گروه‌هایی است که در سال‌های اخیر، نقش شاخصی در فعالیت‌های تروریستی در مناطق غربی کشور داشته است. این گروه در ابتدا به گروه ابوبکر شناخته می‌شد و نخستین عملیات خود را در اردیبهشت ۱۳۸۸ علیه نیروی انتظامی انجام داد. از آن زمان تاکنون این گروه‌ها، تعدادی از مردم، چهره‌های مذهبی، نیروهای نظامی و انتظامی را در استان کردستان به شهادت رسانده و افزون‌بر این، اقداماتی همچون سرقت‌های مسلحانه و آدم‌ربایی را نیز در کارنامه‌ی خود دارد. در واقع، آن‌ها برای نائل آمدن به اهداف خود در جهت ایجاد وحشت عمومی، اقدام به بمب‌گذاری در نقاط مختلف کردستان نموده‌اند. یکی از مهم‌ترین اقدام‌های این گروه، ترور ماموستا شیخ‌الاسلام، عضو مجلس خبرگان رهبری و از روحانیون برجسته‌ی سنندج در سال ۸۸ بود. در همان روز، ماموستا برهان‌الدین عالی، امام جمعه‌ی موقت سنندج نیز ترور شد (امینی و اصغری هرندی، ۱۳۹۹، ص. ۲۳۹).

در حقیقت، پدیداری اندیشه‌های سلفی در عراق، ضمن تهدید تمامیت ارضی این کشور، امنیت منطقه‌ای را نیز به خطر می‌اندازد که طبعاً امنیت ملی ایران نیز به سبب نزدیکی با عراق تحت‌تأثیر قرار گرفته است. یکی از نموده‌های بارز سرایت این نوع از تروریسم به ایران را می‌توان در حوادث تروریستی تهران، در حمله‌ی گروه داعش به مجلس شورای اسلامی و مرقد بنیان‌گذار انقلاب اسلامی در سال ۱۳۹۶ مشاهده کرد که منجر به شهادت چند تن از هم‌وطنان شد.

۴. امنیت ملی ایران در پرتو سرایت تروریسم تکفیری

در دهه‌های گذشته، به‌طور روزافزون شاهد افزایش فعالیت گروه‌های تروریستی منبعث از جریان‌های تکفیری بوده‌ایم. نمود این افزایش تحرکات را می‌توان در تعداد حملات و همچنین تعداد گروه‌های برآمده از این جریان‌های مشاهده کرد. به عنوان نمونه، میان سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۹، ۳۳۷۶۹ حمله‌ی تروریستی توسط اسلام‌گرایان افراطی در سراسر



جهان، منجر به کشته شدن حداقل ۱۶۷۰۹۶ نفر شده است (Reynie, ۲۰۱۹, ص.۶۹).

جدول ۱: نمایی از حملات و تلفات حملات تروریستی سال‌های ۱۹۷۰-۲۰۱۹

| بازه زمانی | تعداد حملات | تعداد کشته‌شدگان |
|---------------|-------------|------------------|
| ۱۹۷۰ الی ۲۰۰۰ | ۲۱۹۰ | ۶۸۱۸ |
| ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۲ | ۸۲۶۴ | ۳۸۱۸۶ |
| ۲۰۱۳ الی ۲۰۱۹ | ۲۳۳۱۵ | ۱۲۲۰۹۲ |

Source: Reynie, 2019

همچنین در دهه‌های اخیر، گروه‌های متنوعی از جریان‌های تکفیری در کشورهای اسلامی به وجود آمده‌اند به طوری که از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ م، تعداد گروه‌های سلفی-جهادی شاهد افزایش ۵۸ درصدی بوده است (Jones, ۲۰۱۴, ص.۲۶).

تمامی مواردی که از نظر گذرانیم، مؤید این مطلب است که گسترش جریان‌های سلفی در مرزهای شرقی، غربی، شمالی و جنوبی ایران باعث شد تا سرایت تروریسم تکفیری به درون مرزهای کشور به مثابه‌ی یک مسأله‌ی بدخیم پدیدار شود. بر همین اساس و با ابتناء به چهارچوب نظری مکتب کپنهاگ می‌توان اذعان داشت که پدیداری و فعالیت افسارگسیخته‌ی گروه‌های تروریستی با سبقه‌ی سلفی، تمام مرزهای دوستی و دشمنی در منطقه و به تبع آن محیط امنیتی کشور را تحت الشعاع قرار داده و تداوم آن، امنیت ملی ایران را از منظر ابعاد نظامی (به مخاطره افکندن مرزها و انجام عملیات تروریستی در درون مرزها)، سیاسی (به خطر افتادن تمامیت ارضی، یک‌پارچگی سرزمینی، تهدید حاکمیت ملی، تضعیف و مهار موقعیت ژئوپلیتیک ایران از طریق تشدید درگیری‌های قومی-فرقه‌ای در قالب شکاف میان شیعه و سنی) و جامعه‌ای (تشدید منازعه‌های قومی-مذهبی، اجتماعی شدن افکار افراط-گرایانه و در پی آن سرایت اندیشه‌ی تکفیری) متأثر نموده است. از عمده‌ترین تأثیرات منفی تروریسم تکفیری بر امنیت ملی ایران باید به موارد ذیل اشاره نمود:

۱-۴. به خطر افتادن تمامیت ارضی و تهدید مرزها

مهم‌ترین واقعیت‌های ژئوپلیتیکی پیونددهنده‌ی ایران با کشورهای عراق، افغانستان و پاکستان را باید در مواردی مانند نزدیکی جغرافیایی، تجانس فرهنگی و تاریخی و اشتراک‌های مذهبی دانست. از این رو می‌توان گفت که به خطر افتادن تمامیت ارضی این کشورها مساوی است با به خطر افتادن تمامیت ارضی ایران؛ بنابراین و بر اساس نظریه‌های مکتب کپنهاگ، باید گفت حضور جریان‌های سلفی در کشورهای همسایه و همچنین



پدیداری گروه‌های تکفیری ملهم از این جریان‌ها در درون مرزها، موجب ایجاد مخاطره برای تمامیت ارضی و یکپارچگی سرزمینی می‌شود که این مسأله، تهدیدی از نوع سیاسی و به خطر افتادن مرزهای کشور و نیز تهدیدی از بُعد نظامی برای امنیت ملی ج.ا.ایران به‌شمار می‌آید. از این‌رو، حضور گروه‌های تکفیری در پیرامون مرزهای کشور، تهدیدی است که مسئولان و سیاست‌گذاران امنیت ملی ج.ا.ایران نمی‌توانند آن را نادیده بگیرند و می‌بایست با شناخت لازم و برنامه‌ریزی منطقی از تهدیدهای آن جلوگیری نمایند.

۲-۴. تهدید حاکمیت ملی

با مشاهده‌ی تحولات در منطقه می‌توان گفت یکی از پیامدهای حضور گروه‌های تکفیری علاوه بر گسترش ناامنی، رشد افراط‌گرایی و افزایش تنش‌های قومی-مذهبی به‌خصوص در کشورهای همسایه ایران است. گروه‌های تکفیری نیز به خوبی بر این نکته واقف هستند که با دمیدن بر منازعه‌های قومی-مذهبی، می‌توانند امنیت جامعه‌ای ج.ا.ایران را با چالش مواجه سازند. افزون‌بر این، یکی از راهبردهای اصلی جریان تکفیری در منطقه، معطوف به تضعیف و مهار موقعیت ژئوپلیتیک ایران از طریق تشدید درگیری‌های قومی-فرقه‌ای در قالب شکاف میان شیعه و سنی می‌باشد. تسلط گروه‌های تروریستی با اندیشه‌های تکفیری در کشورهای هم‌جوار، باعث گسترش فعالیت آن‌ها علیه شیعیان به‌طور اخص و ایرانیان به‌طور اعم شده است. به‌طوری که شاهد نفوذ اندیشه‌های سلفی به مرزهای کشور و تشکیل گروه‌های تروریستی منبث از جریان‌های افراط‌گرا در کشورهای همسایه می‌باشیم. از این‌رو سرایت تروریسم تکفیری به مناطق اقلیت‌نشین ایران که عموماً در نوار مرزی کشور ساکن هستند، از منظر تنش‌های قومی و مذهبی، تهدید جدی علیه حاکمیت ملی ایران به‌حساب می‌آید. در حقیقت تمامی موارد مطرح شده از قبیل تضعیف و مهار موقعیت ژئوپلیتیک ایران از طریق شکاف میان شیعه و سنی و همچنین تهدید حاکمیت ملی، بُعد سیاسی امنیت ملی ایران را تهدید می‌نماید که در صورت عدم توجه کافی به این مهم، کشور با چالشی بنیادین روبرو خواهد شد.

۳-۴. انجام عملیات تروریستی در درون مرزها

پدیداری تروریسم تکفیری در محیط پیرامونی ایران و ورود اندیشه‌ها و گروه‌های سلفی به درون مرزها، خطر حملات تروریستی در مناطق داخلی را بیش از پیش کرده است. حضور و فعالیت حدود ۲۰ گروه تروریستی در مناطق مرزی و ۵۰ گروه مهم در محیط امنیتی ایران (هداوند میرزایی، ۱۳۹۴، ص.۱۰)، حمله به نیروهای انتظامی-امنیتی، گروگان‌گیری و حملات





انتحاری به مساجد و مراسم مذهبی شیعیان، نمود افراط‌گرایی و خشونت‌گرایی مذهبی است که نتیجه‌ی آن کشته و مجروح شدن ده‌ها تن از شهروندان ایرانی در سال‌های گذشته است. با عنایت به مبانی اندیشه‌ای صاحب‌نظران مکتب کپنهاگ، باید اذعان داشت که تمامی موارد ذکر شده، ظرفیت به چالش کشیدن امنیت نظامی به عنوان بنیادی‌ترین عنصر قدرت ملی کشور را دارا می‌باشد. نمونه‌های این تهدیدهای نظامی را می‌توان در حملات تروریستی گروه‌های جندالله، جیش العدل، گروه فرقان، انصارالاسلام، توحید و جهاد، صلاح‌الدین و... در مناطق شرقی و غربی کشور مشاهده کرد که سبب تهدید و آسیب‌پذیری امنیت ملی شده است.

۴-۴. سرایت اندیشه‌ی تکفیری و جذب نیروهای معارض

جذب نیروهای معارض و جدایی طلب به جریان‌های تکفیری، می‌تواند به صورت سازمان‌مند و یا غیرسازمان‌مند باشد، ولی آسیب مهم آن برای امنیت ملی ایران، سرایت اندیشه‌ی تکفیری، اجتماعی شدن آن و تشکیل گروهک‌های تروریستی ملهم از اندیشه‌های سلفی در ورای مرزها است. مسأله‌ای که امنیت جامعه‌ای مورد نظر مکتب کپنهاگ را با مخاطره روبرو می‌سازد. افراط‌گرایی در هیچ کشوری بدون اتکاء به عقبه‌ی اجتماعی و بدون برخورداری از یک بستر اجتماعی حاصل‌خیز، شکل نگرفته است. اجتماعی شدن و در پی آن سرایت اندیشه‌ی تکفیری، مرحله‌ی مهمی در تکوین گروه‌های تکفیری است و موجب می‌شود افراط‌گرایی، پشتوانه‌ی اجتماعی یابد. از چشم‌انداز مکتب کپنهاگ می‌توان بیان نمود که وقوع این پدیده‌ها، تهدیدی بنیادین از جنس جامعه‌ای برای امنیت ملی هر واحد سیاسی محسوب می‌گردد. گرچه پذیرش اجتماعی اندیشه‌های سلفی و دقایق و عناصر گفتگمانی آن در جامعه‌ی ایران، بسیار دشوار است اما شواهد، حاکی از پیوستن برخی نیروهای معارض ایرانی به این گروه‌ها با وعده‌های مختلف است. از منظر آسیب‌شناختی، زمینه‌های اعتقادی از یک سو و شرایط نامساعد اقتصادی از سوی دیگر، زمین حاصل‌خیزی برای رشد افکار مخرب و نهایتاً تروریستی فراهم می‌کند.

با عنایت به بسیط بودن افراط‌گرایی در لایه‌های محیط پیرامونی ایران و به تبع آن حضور فزاینده‌ی گروه‌های تروریستی، مسأله‌ی سرایت تروریسم تکفیری به درون مرزها به یک چالش چندعلتی، پویا و مناقشه‌برانگیز تبدیل شده است. در حقیقت، به دلیل پیچیدگی اندیشه‌ای و پراکندگی این گروه‌های تروریستی در اقصی نقاط کشور، صورت‌بندی مشخص از فرایند مدیریت و حل این مسأله وجود ندارد (ویژگی اول). از منظر دیگر، سرایت این نوع از

تروریسم، از یک سو به شدت سویه‌های هویتی و دگرپروانه به خود گرفته و از سوی دیگر، به علت حضور دولت‌های شکننده در محیط پیرامونی، شاهد بازتولید آن هستیم که این عوامل، رویارویی با این مسأله را به امری زمان‌بر تبدیل می‌کند. این شواهد گواه آن است که سرایت تروریسم تکفیری به کشور، قاعده‌ی توقف ندارد (ویژگی دوم). چندبعدی و هزینه‌بر شدن مقابله با این گروه‌ها، آزمون صریح و نهایی برای ارزیابی راه‌حل این مسأله را پیچیده‌تر می‌کند (ویژگی چهارم) و از آن‌جا که اقدام‌های گروه‌های تروریستی به‌طور مستقیم با زندگی شهروندان در ارتباط است، فرصت هرگونه آزمون و خطا در خصوص مواجهه با آن را از بین می‌برد (ویژگی پنجم). به همین دلیل، تصمیم‌گیرندگان کشور، فرصت هیچ‌گونه کوتاهی و اشتباهی را در این خصوص ندارند (ویژگی دهم). از این رو تلاش شد تا در فضای پژوهشی، راهکارهای راهبردی برای مواجهه با این مشکل ارائه شود.

۵. راهکارها و پیشنهادات

۵-۱. توجه به آسیب‌پذیری‌های داخلی و انسجام قومیتی-مذهبی در مناطق اقلیت‌نشین تنوع بالای قومی و مذهبی در کشور و پراکندگی اقوام و اقلیت‌ها در نواحی مرزی، موجب شده تا بیش‌ترین میزان تهدید در برابر اندیشه‌های سلفی و گروه‌های تکفیری متوجه آن‌ها شود. اگر سیاست‌های امنیتی در خصوص اقوام و اقلیت‌ها منجر به ایجاد احساس ناامیدی و انفعال در برابر حکومت مرکزی شود، آسیب‌پذیری‌های داخلی از جنس سرایت اندیشه‌های تکفیری، متوجه امنیت کشور خواهد شد. از این رو توجه و مدیریت مسائل امنیتی-سیاسی در مناطق اقلیت‌نشین، راهکاری مناسب در مهار آسیب‌پذیری‌ها و جلوگیری از سرایت اندیشه‌ی تکفیری به درون مرزها خواهد بود.

۵-۲. عنایت به توسعه‌ی متوازن در مناطق مرزی و اقلیت‌نشین در جهت هم‌گرایی احساس تبعیض از اتخاذ سیاست‌های توسعه‌گرایانه و روند اجرایی آن، موجب افزایش نارضایتی اقوام و اقلیت‌ها در برابر حکومت مرکزی خواهد شد. ریشه‌ی این ناخرسندی‌ها می‌تواند در توسعه‌ی نامتوازن، تبعیض‌های اقتصادی، سیاست‌های قومی-مذهبی و تمایزهای سیاسی باشد که اگر با بی‌توجهی و عدم پاسخ مناسب دولت مرکزی روبرو شود، انباشت ناامیدی و واگرایی اقلیت‌های قومی-مذهبی را در پی خواهد داشت که تبعات جبران‌ناپذیری برای امنیت ملی کشور به‌همراه دارد.

۵-۳. جلب مشارکت اقلیت‌های قومی-مذهبی در سیاست‌گذاری‌های ملی و محلی مشارکت مؤثر نخبگان بومی در تدوین و اجرای سیاست‌های کلان ملی و محلی باعث





تقویت حس مشترک در میان اقلیت‌های موجود در ترسیم سرنوشت سیاسی خواهد شد و این امر موجب گره خوردن سرنوشت آن‌ها با پیشرفت کشور می‌شود. از این‌رو راهکار حاضر می‌تواند کمکی شایان در راستای کاهش آسیب‌پذیری‌های داخلی به‌ویژه مسائل منبث از تروریسم تکفیری در نواحی مرزی کشور به‌شمار آید.

۴-۵. اتخاذ رویکرد همکارانه در رویارویی با مسأله‌ی بدخیم تروریسم تکفیری

حل موفق و مدیریت سرایت تروریسم تکفیری به درون کشور، به‌مثابه‌ی مسأله‌ی سیاسی بدخیم، فراتر از توان و ظرفیت یک سازمان یا نهاد بوده و نیازمند اتخاذ رویکرد همکارانه^۱ است. اتخاذ چنین رویکردی، در درجه‌ی اول نیازمند ارزیابی مجدد روش‌های سنتی در ساختارهای حکمرانی، مبانی مهارتی و ظرفیت‌های سازمانی می‌باشد تا نهایتاً با در نظر گرفتن تمامی ابعاد و سهیم کردن همه‌ی ذی‌نفعان، به یک راه‌حل جامع و چندلایه برای رفع مسأله‌ی سرایت تروریسم تکفیری برسند.

نتیجه‌گیری

احاطه شدن ایران در منطقه‌ای که بیش‌ترین تعداد از گروه‌های تکفیری را در خود جای داده است و همچنین نزدیکی با مرگ‌بارترین گروه‌های تروریستی شناخته‌شده، موجب سرایت اندیشه‌های افراطی به درون مرزهای ایران را فراهم نموده است که نهایتاً با بررسی‌های به عمل آمده مشخص شد که گروه‌های تروریستی زیادی در مناطق مرزی به‌ویژه مناطق شرقی و غربی کشور، منبث از جریان‌های تکفیری، در محیط پیرامونی ایران شکل گرفته‌اند که طی سالیان متمادی اقدام به عملیات تروریستی، حملات انتحاری، بمب‌گذاری و گروگان‌گیری در درون مرزهای کشور کرده‌اند. بر این اساس، دشواری حاضر، به یک مسأله‌ی بدخیم مبدل شده و به‌تبع آن، امنیت ملی کشور، از لحاظ تهدیدهای خارجی و آسیب‌پذیری داخلی، تحت تأثیر قرار گرفته است. از جمله مهم‌ترین تأثیرهای منفی می‌بایست به تهدید حاکمیت ملی، به خطر افتادن تمامیت ارضی و تهدید مرزها، انجام عملیات تروریستی در درون مرزها و جذب نیروهای معارض ایرانی به جریان‌های تکفیری، اشاره کرد که ابعاد نظامی، سیاسی و جامعه‌ای کشور را با مخاطره‌های شالوده‌ای مواجهه ساخته است. از آن‌جا که سرایت تروریسم تکفیری در قامت یک مسأله‌ی بدخیم ظاهر شده است، راه‌حل‌های

اتخاذ شده در خصوص رویارویی با آن نیز می‌بایست در چارچوب همین سنخ مسائل ارائه شود. لذا لازم است حکومت مرکزی، سرایت تروریسم تکفیری به درون مرزهای ایران را به مثابه‌ی یک مسأله‌ی بدخیم بنگرد و سیاست‌ها و تدابیری با رویکرد همکارانه در این خصوص بیاندیشد تا بتواند مسأله‌ی موجود را با همکاری تمامی ذی‌نفع‌های موجود مدیریت کند که در غیراین صورت، مسأله‌ی حاضر ظرفیت تبدیل شدن به یک مسأله‌ی فوق بدخیم را دارد.



منابع

- اسماعیل زاده امامقلی، ی؛ احمدی فشارکی، ح.ع. (۱۳۹۵). داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ. پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۵، شماره ۱۸، ص. ۱۲۳-۱۴۱.
- اعظم‌زاده، م؛ بقالی، ه. (۱۳۹۱). تحلیل جامعه‌شناختی سلفی‌گری به‌مثابه یکی از منابع هویت‌ساز در کردستان ایران. مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۶، شماره ۲۰، ص. ۴-۲۹.
- امینی، ج؛ اصغری هرندی، م.ر. (۱۳۹۹). تعیین و اولویت‌بندی عوامل موثر در شکل‌گیری و فعالیت تروپیست‌های تکفیری در جمهوری اسلامی ایران. مطالعات دفاعی استراتژیک، سال ۱۸، شماره ۷۹، ص. ۲۳۱-۲۵۲.
- ایرنا (۱۴۰۱). حادثه تروریستی در حرم شاهچراغ (ع). قابل دسترس در:
<https://www.irna.ir/subject/85011768>.
- ایسنا (۱۴۰۱). شهادت ۴ نفر از نیروهای مدافع امنیت سپاه در منطقه مرزی سراوان. قابل دسترس در:
<https://www.isna.ir/news/1401092818854>
- جهان نیوز (۱۳۹۷). حمله انتحاری جاده زاهدان-خاش. قابل دسترس در:
<http://www.jahannews.com/news/671892>
- دنیا اقتصاد (۱۴۰۱). جزئیات تازه از حمله به سه طلبه در حرم امام رضا(ع). قابل دسترس در:
<https://donya-e-eqtasad.com/3855874>
- کبنانیوز (۱۴۰۱). رونمایی از دو بحران قریب الوقوع امنیتی در خاورمیانه. قابل دسترس در:
<https://www.kebnews.ir/news/452747>
- حبیبی، ا؛ قربانی، ز. (۱۳۹۶). جریان‌های رادیکالیسم اسلامی در بلوچستان و چگونگی تهدید امنیتی ج.ا. ایران. پژوهش ملل، دوره ۲، شماره ۲۲، ص. ۶۹-۸۷.
- حجازی، ن؛ بیدالله‌خانی، آ. (۱۳۹۶). تروریسم تکفیری و ریزسیستم‌های امنیتی شرق ایران؛ راهبردهای امنیتی پایدار برای آسیای غربی. مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۶، شماره ۲۳، ص. ۱۳۹-۱۶۷.
- حسن خانی، س. (۱۴۰۰). ایران و محیط امنیتی تغییر یافته (الزام‌ها و راهبردها). راهبرد سیاسی، دوره ۵، شماره ۱۹، ص. ۲۳-۶۲.
- خراسانی، ص. (۱۴۰۱). چرخه بازتولید هویت‌های متعارض در خاورمیانه. علوم سیاسی، سال ۲۵، شماره ۹۷، ص. ۱۳۱-۱۵۹.
- خراسانی، ص؛ متقی، ا؛ بای، ع.ر. (۱۳۹۹). قطبی‌شدن امنیت منطقه‌ای و ژئوپلیتیک آشوب در خاورمیانه. علوم سیاسی، سال ۲۳، شماره ۸۹، ص. ۵۱-۷۵.
- رمضانی، م؛ شمس دولت‌آبادی، م.ر؛ اکبری، ح. (۱۳۹۹). راهبردهای مواجهه با کنشگری روسیه در محیط امنیتی جمهوری اسلامی در آسیای مرکزی. امنیت ملی، سال ۱۰، شماره ۳۶، ص. ۱۱۵-۱۴۸.





- سیدنژاد، ب. (۱۳۸۹). سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران. مطالعات راهبردی، سال ۱۳، شماره ۴۷، ص. ۹۵-۱۲۲.
- شیرازی، م. (۱۳۹۶). ساختار دیوبندیه در شبه‌قاره هند. مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۷۲، ص. ۱۴۹-۱۷۶.
- صدرا، م. (۱۴۰۰). سید جمال، سلفی‌گرایی و نواندیشی غرب‌گرایانه: نگاهی آسیب‌شناسانه. علوم سیاسی، سال ۲۴، شماره ۹۳، ص. ۱۲۰-۱۳۶.
- غرایق‌زندی، د. (۱۳۸۷). محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فیرحی، د؛ ظهیری، ص. (۱۳۸۷). تروریسم؛ تعریف، تاریخچه و رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده تروریسم. سیاست، دوره ۳۸، شماره ۳، ص. ۱۴۵-۱۶۵.
- قاسمیان، ع. (۱۴۰۰). جریان تکفیری-سلفی در خاورمیانه و تأثیرهای آن بر امنیت محیطی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات سیاسی، سال ۱۳، شماره ۵۱، ص. ۲۲۹-۲۵۱.
- قائد رحمتی، ا؛ فعال، س. (۱۳۹۷). جریان‌های افراطی و تهدیدهای تروریستی آن‌ها. تهران: پژوهشکده مطالعات اجتماعی ناجا.
- قنبری، م؛ بیات، ب. (۱۳۹۸). محیط‌شناسی تهدیدهای تروریستی در سطح جمهوری اسلامی ایران. علوم سیاسی، سال ۱۴، شماره ۴۶، ص. ۱۵۹-۱۸۵.
- محمد، ق. (۱۳۹۸). امنیت عمومی و تهدیدهای تروریستی. تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی.
- میری، ج؛ ابطحی، م؛ پولادی، ک. (۱۳۹۹). روان‌شناسی اجتماعی پیدایش گروه‌های تکفیری در عراق. جستارهای سیاسی معاصر، سال ۱۱، شماره ۳، ص. ۹۳-۱۲۴.
- نوروزانی، ش؛ شاملو، ر. (۱۴۰۱). سنجش تهدیدهای آینده احتمالی علیه جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: گروه‌های تروریستی تکفیری داعش). پژوهش‌های حفاظتی و امنیتی، دوره ۱۰، شماره ۳۹، ص. ۲۹-۵۶.
- هداوند میرزایی، م. (۱۳۹۴). گسترش تروریسم منطقه‌ای و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. در: اولین کنفرانس بین‌المللی علوم جغرافیایی. شیراز: موسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی.
- Australian Public Service (2007). Tackling Wicked Problems, A Public Policy Perspective. Policy Paper, Australian Public Service Commission.
- Balint, P.J., Stewart, R.E., Desai, A. & Walters, L.C. (2011). Wicked Environmental Problems; Managing Uncertainty and Conflict. Washington, Island Press.
- Barber, P.N. (2021). The Forever War: The Wicked Problem of Conflict Termination in Afghanistan. Canadian Forces College, Available at: <https://www.cfc.forces.gc.ca/259/290/23/305>.
- Buzan, B., Lweaver, O. & Wilde, J. (1998). Security; A New Framework

For analysis. London: Lynne Rienner.

Byman, D.L. (2017). The Islamic State's long-term threat to the Middle East. Center for Middle East Policy at Brookings, Available at: <https://www.brookings.edu/blog/markaz/2017/07/28/the-islamic-states-long-term-threat-to-the-middle-east>.

Camillus, J.C. (2008). Strategy as a Wicked Problem. Harvard Business Review, Available at: hbr.org/2008/05/strategy-as-a-wicked-problem.

Duyvesteyn, I. (2004). How New is the Terrorism? Studies in conflict & Terrorism, 27(5), p.439-454.

Estelle, E. (2022). The Underestimated Insurgency: African States at Risk for Salafi-Jihadi Insurgencies. American Enterprise Institute.

Denis, F.-S. (2016). Dealing with threat adaptation: terrorism as a wicked policy problem. In: 20th International Research Society on Public Management Conference 2016 Hong Kong, p.1-28.

Gartenstein-Ross, D. & Joscelyn, T. (2022). Enemies Near and Far How Jihadist Groups Strategize, Plot, and Learn. Columbia University Press.

Global Terrorism Index (2020). Measuring and Understanding the Impact of Terrorism. Institute for Economics and Peace.

Global Terrorism Index (2022). Measuring the Impact of Terrorism. Institute for Economics and Peace.

Head, B.W. (2008). Wicked Problems in Public Policy. Public Policy, 3(2), p.101-118.

Jones, S.G. (2014). A Persistent Threat: The Evolution of al Qa`ida and other Salafi Jihadists, U.S.A. RAND Corporation, Available at: https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/research_reports/RR600/RR637/RAND_RR637.pdf.

Morris, A.M. (2023). Who Becomes a Foreign Fighter? Characteristics of the Islamic State's Soldiers. Terrorism and Political Violence, Vol.35. DOI: <https://doi.org/10.1080/09546553.2022.2144730>.

Nassau, C.S. & Poot, C.J. (2023). The Relational Dimension of Radicalization: Context and Tie Formation in Dutch Salafi-Jihadi Networks. Terrorism and Political Violence, Vol. 35. DOI: <https://doi.org/10.1080/09546553.2022.2158083>.

Nielsen, D.A. & Haugstvedt, H. (2020). Bridging Wicked Problem and Violent Extremism Research. Center for Research on Extremism, The Extreme Right, Hate Crime and Political Violence, University of Oslo.

Norman, P. (2004). The United Nations and Counter-terrorism after September 11: towards an assessment of the impact and prospects of counterterror 'spill-over' into international criminal justice cooperation. Paper to British Society of Criminology Conference, 6-9th July.

Nye, J.S. (2004). Power in the Global Information Age. From Realism to Globalisation, Routledge.

Reynie, D. (2019). Islamist Terrorist Attacks in The World 1979-2019. Fondation pour l'innovation politiqu, Available at: <https://www.fondapol.org/app/uploads/2020/06/enquete-terrorisme-gb-2019->



11-18.

Rittel, H.W.J. & Webber, M.M. (1973). Dilemmas in a General Theory of Planning. *Policy Sciences*, 4(2), p. 155–169.

Termeer, J.A.M.C., Dewulf, A., Breeman, G. & Stiller, S.J. (2015). Governance Capabilities for Dealing Wisely With Wicked Problems. *Administration & Society*, 47(6), p. 680–710.





سال بیست و پنجم / شماره نود و نهم / پاییز ۱۴۰۱

References

- Amini, J.; Asghari Harandi, M.R. (2020). Determination and prioritization of the factors contributing to the formation and activity of excommunicationist terrorists in the Islamic Republic of Iran. *Strategic defense studies*, 18(79), 231-252.
- Australian Public Service (2007). *Tackling Wicked Problems, A Public Policy Perspective*. Policy Paper, Australian Public Service Commission.
- Azamzadeh, M.; Baghali, H. (2012). A sociological analysis of Salafism as an identify-making source in Iran's Kurdistan. *Sociological studies of Iran*, 6(20), 4-29.
- Balint, P.J., Stewart, R.E., Desai, A. & Walters, L.C. (2011). *Wicked Environmental Problems; Managing Uncertainty and Conflict*. Washington, Island Press.
- Barber, P.N. (2021). *The Forever War: The Wicked Problem of Conflict Termination in Afghanistan*. Canadian Forces College, Available at: <https://www.cfc.forces.gc.ca/259/290/23/305>.
- Buzan, B., Lweaver, O. & Wilde, J. (1998). *Security; A New Framework For analysis*. London: Lynne Rienner.
- Byman, D.L. (2017). *The Islamic State's long-term threat to the Middle East*. Center for Middle East Policy at Brookings, Available at: <https://www.brookings.edu/blog/markaz/2017/07/28/the-islamic-states-long-term-threat-to-the-middle-east>.
- Camillus, J.C. (2008). *Strategy as a Wicked Problem*. Harvard Business Review, Available at: hbr.org/2008/05/strategy-as-a-wicked-problem.
- Denis, F.-S. (2016). *Dealing with threat adaptation: terrorism as a wicked policy problem*. In: 20th International Research Society on Public Management Conference 2016 Hong Kong, 1-28.
- Donya-ye Eghtesad. (2022). *New details of the attack on three seminary students in the Shrine of Imam Rida*. Accessible at <https://donya-e-eqtesad.com/3855874>.
- Duyvesteyn, I. (2004). *How New is the Terrorism?* *Studies in conflict & Terrorism*, 27(5), 439-454.
- Esmailzadeh Emamgholi, Y.; Ahmadi Fesharaki, H.A. (2016). *ISIS and Iran's security based on Copenhagen School*. *Strategic studies of politics*, 5(18), 123-141.
- Estelle, E. (2022). *The Underestimated Insurgency: African States at Risk for Salafi-Jihadi Insurgencies*. American Enterprise Institute.
- Feirahi, D.; Zahiri, S. (2008). *Terrorism: definition, history, and available approaches in analyzing the phenomenon of terrorism*. *Politics*, 38(3), 145-165.
- Gartenstein-Ross, D. & Joscelyn, T. (2022). *Enemies Near and Far How Jihadist Groups Strategize, Plot, and Learn*. Columbia University Press.
- Ghaed Rahmati, E.; Faal, S. (2018). *Extremist movements and their terrorist threats*. Tehran: NAJA Social Studies Research Institute.
- Ghanbari, M.; Bayat, B. (2019). *Study of the environment of terrorist threats*





at the level of the Islamic Republic of Iran. *Political sciences*, 14(46), 159-185.

Gharayaghzandi, D. (2008). *The surrounding security environment of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Research Center for Strategic Studies.

Ghasemian, A. (2021). The excommunicationist-Salafi movement in the Middle East and its impacts on the surrounding environment of the Islamic Republic of Iran. *Political studies*, 13(51), 229-251.

Global Terrorism Index (2020). *Measuring and Understanding the Impact of Terrorism*. Institute for Economics and Peace.

Global Terrorism Index (2022). *Measuring the Impact of Terrorism*. Institute for Economics and Peace.

Habibi, A.; Ghorbani, Z. (2017). Radical Islamic movements in Baluchestan and the manner of the security threat to the Islamic Republic of Iran. *Research on nations*, 2(22), 69-87.

Hassankhani, S. (2021). Iran and the altered security environment (requirements and strategies). *Political strategy*, 5(19), 23-62.

Head, B.W. (2008). Wicked Problems in Public Policy. *Public Policy*, 3(2), 101-118.

Hejazi, N.; Beidollahkhani, A. (2017). Excommunicationist terrorism and security microsystems of eastern Iran: sustainable security strategies for Western Asia. *Political studies of the Islamic world*, 6(23), 139-167.

Hodavand Mirzaei, M. (2015). Spread of regional terrorism and its impact on the national security of the Islamic Republic of Iran. In the First International Conference of Geographical Sciences. Shiraz: Kharazmi Higher Institute of Sciences and Technology.

IRNA. (2022). The terrorist incident in Shahcheragh Shrine. Accessible at <https://www.irna.ir/subject/85011768>.

ISNA. (2022). Martyrdom of four security-defending forces of IRGC in the border region of Saravan. Accessible at: <https://www.isna.ir/news/1401092818854>.

Jahan News. (2018). Suicide attack on Zahedan-Khash road. Accessible at <http://www.jahannews.com/news/671892>.

Jones, S.G. (2014). *A Persistent Threat: The Evolution of al Qa`ida and other Salafi Jihadists*, U.S.A. RAND Corporation, Available at: https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/research_reports/RR600/RR637/RAND_RR637.pdf.

KEBNA News. (2022). The unfolding of two imminent security crises in the Middle East. Accessible at <https://www.kebnanews.ir/news/452747>.

Khorasani, S. (2022). The reproduction cycle of conflicting identities in the Middle East. *Political sciences*, 25(97), 131-159.

Khorasani, S.; Mottaghi, A.; Bay, A.R. (2020). Polarization of regional security and the geopolitics of chaos in the Middle East. *Political sciences*, 23(89), 51-75.

Miri, J.; Abtahi, M.; Pouladi, K. (2020). Social psychology of the rise of excommunicationist groups in Iraq. *Contemporary political inquiries*, 11(3),

93-124.

Mohammad, Gh. (2019). General security and terrorist threats. Tehran: Supreme National Defense University.

Morris, A.M. (2023). Who Becomes a Foreign Fighter? Characteristics of the Islamic State's Soldiers. *Terrorism and Political Violence*, Vol.35. DOI: <https://doi.org/10.1080/09546553.2022.2144730>.

Nassau, C.S. & Poot, C.J. (2023). The Relational Dimension of Radicalization: Context and Tie Formation in Dutch Salafi-Jihadi Networks. *Terrorism and Political Violence*, Vol. 35. DOI: <https://doi.org/10.1080/09546553.2022.2158083>.

Nielsen, D.A. & Haugstvedt, H. (2020). Bridging Wicked Problem and Violent Extremism Research. Center for Research on Extremism, The Extreme Right, Hate Crime and Political Violence, University of Oslo.

Norman, P. (2004). The United Nations and Counter-terrorism after September 11: towards an assessment of the impact and prospects of counterterror 'spill-over' into international criminal justice cooperation. Paper to British Society of Criminology Conference, 6-9th July.

Noruzani, Sh.; Shamloo, R. (2022). Appraisal of possible future threats to the Islamic Republic of Iran (the case study of the terrorist excommunicationist groups of ISIS). *Protective and security research*, 10(39), 29-56.

Nye, J.S. (2004). *Power in the Global Information Age. From Realism to Globalisation*. Routledge.

Ramezani, M.; Shams Dolatabadi, M.R.; Akbari, H. (2020). Strategies of encountering Russia's activism in the security environment of the Islamic Republic in Central Asia. *National security*, 10(36), 115-148.

Reynie, D. (2019). *Islamist Terrorist Attacks in The World 1979-2019*. Fondation pour l'innovation politiqu, Available at: <https://www.fondapol.org/app/uploads/2020/06/enquete-terrorisme-gb-2019-11-18>.

Rittel, H.W.J. & Webber, M.M. (1973). Dilemmas in a General Theory of Planning. *Policy Sciences*, 4(2), 155-169.

Sadra, M. (2021). Seyyed Jamal, Salafism, and Westernist intellectualism: a pathological view. *Political sciences*, 24(93), 120-136.

Seyyednejad, B. (2010). Salafism in Iraq and its impact on the Islamic Republic of Iran. *Strategic studies*, 13(47), 95-122.

Shirazi, M. (2017). The Deobandi structure in Indian Peninsula. *Strategic studies of the Islamic world*, 72, 149-176.

Termeer, J.A.M.C., Dewulf, A., Breeman, G. & Stiller, S.J. (2015). Governance Capabilities for Dealing Wisely With Wicked Problems. *Administration & Society*, 47(6), 680-710.

